

شبکه‌سازی احمدی‌نژاد در روستاها

محمود احمدی‌نژاد در «روستای اباتر صومعه سرا» بود و من در روستاهای زلزله‌زده‌ی کوه‌رنگ و اندیکا، احمدی‌نژاد در حال سخنرانی با روستائیان بود و من در حال عکاسی از خانه‌های نیمه ویران مناطق زلزله‌زده‌ی کوه‌رنگ و اندیکا که با یک مورد بسیار عجیب مواجه شدم، آن قدر عجیب که در ادامه‌ی این سفر، موضوع را با خیلی از ساکنان مناطق زلزله‌زده به اشتراک گذاشتم و نتیجه‌ای یکسان به دست آوردم و آن این که؛ محبوبیت احمدی‌نژاد طی تمامی سال‌هایی که رئیس‌جمهور نبوده در بین طبقات فرودست جامعه به ویژه روستائیان، ذره‌ای کاهش پیدا نکرده که هیچ، امیدواری‌ها و اعتمادها به وی به عنوان تنها کسی که می‌تواند ایران را از مشکلات فعلی نجات دهد بیشتر نیز شده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، از یک روستایی که لباس محلی به تن داشت خواستم تا یک عکس دو نفره بگیریم و این شروع ماجرای بود که تا سه روز بعد نیز همچنان رد و نشان خود را در تهیه‌ی گزارش از مناطق زلزله‌زده بر جای گذاشت. آن روستایی با مهربانی و لبخند به من گفت: «بگذار یک‌دست لباس محلی به تو بدهم تا عکس به یاد ماندنی از این سفر داشته باشی!» و من خیلی آهسته و لبخندزنانه البته پاسخ دادم: «این‌ها کار من نیست کار احمدی‌نژاد است.»

خیلی جدی و معترض به من گفتم: «حرمت میهمان بودند را نگاه‌دار و به احمدی‌نژاد توهین نکن!» و من که جا خورده بودم از او دلجویی کردم که: «من توهین نکردم فقط گفتم این جور عکس گرفتن‌ها هنر احمدی‌نژاد است نه من!»

آن روستایی وقتی دید از موضعی که در مورد احمدی‌نژاد دارم کوتاه نمی‌آیم بحثی جدی را با من شروع کرد: «اگر فکر می‌کنی متوجه منظورت نشده‌ام سخت در اشتباهی! آقای احمدی‌نژاد اگر با لباس محلی هر منطقه عکس می‌گیرد می‌خواهد بگوید یکی از جنس ماها است، یکی شبیه به خود من روستایی. او بهترین و درد آشناترین رئیس‌جمهور ایران بود. هنوز هم خیلی از روستایی‌ها اگر همان یارانه‌ی اندک نبود از گرسنگی مرده بودند. شک نکن اگر خودش رئیس‌جمهور بود اولاً وضع مملکت این گونه نبود، ثانیاً یارانه خیلی بیشتر از یک میلیون تومان بود.»

حالا چند نفری دور ما دو نفر که در حال گفتن و شنیدن بودیم جمع شده بودند. پیرمردی که بین هفتاد تا هشتاد سال سن داشت رو به من کرد و با تحکم گفت: «آقای خبرنگار! اگر احمدی‌نژاد نبود حالا این روستا وسط رودخانه بود، جاده هم نداشتیم، خانه‌هایمان نیز بازسازی نشده بود، همان قوت بخور و نمیر هم گیرمان نمی‌آمد. من هر بار انتخابات شد فقط به احمدی‌نژاد رای دادم باز هم به او رای می‌دهم تا خودش بیاید و به داد ما روستایی‌ها برسد!»

خوب که نگاه کردم گرداگرد ما را گرفته بودند؛

- یکی می‌گفت: هنوز هم وقتی نامه می‌فرستیم تهران برای «آقای دکتر» رسیدگی می‌شود!
- دیگری گفت: خرج بیمارستان مادر پیرم خیلی زیاد شده بود با واسطه به آقای دکتر مراجعه کردیم مشکل‌مان حل شد.
- یکی دیگر گفت: خیلی از مدیران دوران احمدی‌نژاد اگر نبودند مدیران فعلی جواب سلام ما را نیز نمی‌دادند.

احساس می‌کنم ادامه‌ی ماجرا چندان جالب نباشد اما اگر این وضعیت در دیگر روستاها نیز به همین شکل و اندازه باشد باید درباره‌اش اندیشید و نوشت.

سفر به روستاها و مناطق کم نام و نشان هدفدار است؟!

آن روز که من با روستائیان مناطق زلزله‌زده گفتگو می‌کردم، کیلومترها آن طرف تر، احمدی‌نژاد مشغول سخنرانی برای اهالی روستای اباتر صومعه سرا در استان گیلان بود اصلاً خوب که نگاه می‌کنیم می‌بینیم احمدی‌نژاد - با مشاوره گرفتن از یک تیم قوی یا با تکیه بر هوش و دانش جامعه شناسانه‌ی خودش - همواره مقاصدی دور افتاده و کم نام و نشان را برای دیدار و گفتگو بر گزیده است گویی درست می‌گویند که او روی «شبکه سازی» از پایین به بالا متمرکز شده است.

احمدی‌نژاد سال‌ها است که در مراکز استان‌ها کمتر دیده می‌شود او یا راهی شهرستان‌های محروم می‌شود یا روستاهایی با چند ده و در نهایت چند صد نفر جمعیت (!) تیم همراه او همچنان نامه از مردم می‌پذیرند و نامه‌ها گویی بی‌اثر نیز نیست. در مناطقی که مردم عادی مخاطب من بودند چنین ادعا می‌شد که نامه‌ها به مقصد می‌رسد و تاثیرگذاری قابل قبولی نیز دارد.

احمدی‌نژاد گویی پالس‌هایی که باید از جامعه‌ی هدف دریافت کند را به درستی دریافت کرده است. اصلاً سفرهای استانی بود که احمدی‌نژاد را با مردم همسایه کرد گویی رئیس‌جمهور سال‌های نه چندان دور ایران سال‌ها است همین حوالی و لا به لای مردم زندگی می‌کند.

اعتراض را از احمدی‌نژاد یاد بگیرید

روستایی دیگر و همان حرف‌ها و پرسش‌ها و پاسخ‌های منکوب‌کننده؛ ره‌گذاری مورد خطاب من، وقتی مطمئن می‌شود که هدف بدی از پرسش‌هایی که مطرح می‌کنم ندارم می‌گوید: «بروید اعتراض کردن را از احمدی‌نژاد یاد بگیرید، او نه آشوب می‌کند نه نظم را به هم می‌زند اما شدیدترین اعتراضات که دست بر قضا حرف دل مردم است را با رساترین کلمات به گوش آنانی که باید بشنوند و خود را به نشیندن زده‌اند می‌رساند.»

جوانی که برای کارگری از این روستاها تا کرمان می‌رود و باز می‌گردد می‌گوید: شما روزنامه‌ها خیلی علیه احمدی‌نژاد می‌نویسید، مردم اما تحت تاثیر این حرف‌ها قرار نمی‌گیرند (!) می‌گویم: خیلی از نزدیکان وی هم علیه او گفته و نوشته اند، می‌گوید: برو ببین از چه منفعتی دستش کوتاه شده که کینه‌ی آقای احمدی‌نژاد را به دل گرفته!

از مغازه داری می‌پرسم: در سیستان و بلوچستان مغازه‌هایی دیده بودم که کارت یارانه گرو می‌گیرند و به مردم نسبه می‌دهند، این حوالی هم از این خبرها هست؟ می‌گوید ما کارت کسی را گرو نمی‌گیریم ولی هستند کسانی که اگر یارانه‌ی احمدی‌نژاد نبود زندگی سختی را سپری می‌کردند و ادامه می‌دهد: این تنها یادگار احمدی‌نژاد گویا به مذاق خیلی‌ها خوش نیامده (!) و من که متوجه نمی‌شوم می‌پرسم یعنی چه؟ و او می‌گوید: این که می‌خواهند یارانه‌ها را حذف کنند یعنی می‌خواهند احمدی‌نژاد را از ذهن مردم پاک کنند!

آیا احمدی‌نژاد یک طغیانگر است؟!

حال، طرف صحبت من یک دانشجو است. او می‌گوید وقتی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تمام شد من هم دانشجو شدم. از او بسیار شنیده‌ام و روی همه‌ی واکنش‌های او به ویژه مصاحبه‌های او با برخی خبرگزاری‌های بعضاً مخالف نظام نیز بررسی‌ها کرده‌ام اما این که می‌گویند او یک طغیانگر و مخالف نظام است را نمی‌توانم بپذیرم. می‌پرسم: سفر اخیر او به امارات را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ او می‌گوید: من قبول دارم که بسیاری از کارهایی که احمدی‌نژاد انجام می‌دهد از نظر خیلی‌ها عجیب است اما این شیوه‌ی او است حتی در دوران ریاست جمهوری نیز این گونه بود.

این دانشجوی دوره دکتری می‌گوید: اصلاً اگر خوب نگاه کنیم می‌بینیم انقلابی‌تر از احمدی‌نژاد کی رئیس جمهور ایران نشده است او دقیقاً مواظب پابره‌نه‌ها و فقرا است.

سفر تمام می‌شود و من می‌خواهم این‌هایی که دیده‌ام را منتشر کنم. یاد پیامی از یک دوست می‌افتم که: بی‌خود دارید زور می‌زنید، احمدی‌نژاد خبره‌ترین آدم در عالم رسانه است دیده نشدن وی محال است حتی اگر همه‌ی روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها او را به اصطلاح بایکوت خبری کنند.

حال باید دید آیا سفرهای احمدی‌نژاد به مناطق روستایی و دور افتاده در راستای همان شبکه‌سازی است یا منظور دیگری دارد اما قدر مسلم در یک پهنه‌ی ۳۸۵ کیلومتری کسی از احمدی‌نژاد بد نگفت یا اگر هم گفت من نشنیدم!

منبع: آفتاب یزد